

نگاهی بر فعالیت
ستادهای دکتر حسن روحانی
در سراسر استان

رئیس جمهور:

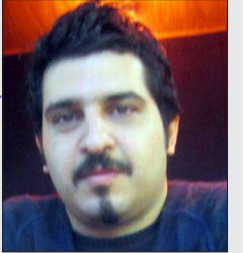
«امروز بین دوراهی قرار گرفته ایم؛ یا شعار
و وعده؛ یا عمل و اجرا یا یک مدیریت و
دولت آمرانه یا دولت مردمسالار»



سرمقاله

حکایت «ما» و «انتخابات»

بابک مهدی زاده
روزنامه نگار



به بزنگاه انتخابات که می رسیم همواره بحث داغی مابین مردم درمی گیرد که آیا در انتخابات شرکت کنیم یا نکنیم؟ عده ای به

تغییرات از راه انتخابات اعتقاد دارند و عده ای دیگر می گویند انتخابات و اصلاحات و تغییرات به بن بست رسیده اند. اما به واقع چه راهی پیش رویمان هست؟ اصلاح حق انتخاب برای شرکت یا عدم شرکت داریم؟ عده ای کلا خیال براندازی دارند. چه از طریق انقلاب، چه از طریق حمله نظامی. از نظر اینان خون های ریخته شده در راه مام وطن اهمیتی ندارد. ایران، سوریه هم بشود اهمیتی ندارد. اصل فقط رفتن حاکمان فعلی است. ولو به قیمت هرج و مرج و خون و خون ریزی. فردای ایران هم مهم نیست. خودشان می گویند ساخته می شود. چطور ساخته شدنش باخداست. مهم فقط سقوط نظام است. اینان معمولاً در همان چند دهه پیش مانده اند و قدرت تحلیل سیاسی ندارند. بحث با این دسته اصلاً فایده ای ندارد. پس اینان را با دورنمای وحشتناک و نابودکننده شان وامی نهمیم.

عده ای کلابی خیال اند. دموکراسی را دوست دارند اما بی خیال اند. بهشان «بی خیال دموکرات» هم می گویند. می گویند انتخابات و رای دادن و حزب بازی و جامعه مدنی را بی خیال می نشینند داخل خانه شان بی بی سی و VOA می کنند و مدام به همه فحش می دهند. اصولاً به همه چیز هم بدبین هستند. حتی به بنیادهای خیریه. به هر کس که در قالب همین نظام و همین کشور فعالیت می کنند بدبین هستند و فحش می دهند و داستان سرایی می کنند. اینان را هم با مبارزه تمام عیاری که کنج خانه هایشان علیه همه شروع کرده اند وامی نهمیم.

ادامه در صفحه ۲

عکس: پویا یازگرد، گیل نگاه

الیاس حضرتی:

سرنوشت کشور را به کسانی که
شعار می دهند نسپارید

صفحه ۲



کمک کنیم موج برای
آرای خاموش راه بیافتد



گردهمایی بزرگ روحانیون
و بزرگان اهل سنت برگزار
خواهد شد



دولت روحانی خطر منزوی
شدن ایران را دور کرد



چرا منتقدان دولت نمی پرسند چه کسانی اقتصاد
ایران را به لبه پرتگاه رساندند؟

دکتر هادی حق شناس:

هوایمهای ایرانی از ایران بخاطر اینکه به آنها در فرودگاه های بین المللی بنزین نمی دادند باکشان را پر میکردند و بیشتر صندلی ها خالی بوده و به کشور مقصد می رفتند و با همان بنزین بر می گشتند، آیا این خطر نبود؟ تحقیر نبود؟

در عرصه دیپلماسی و یا مواردی مثل کاهش نرخ بیکاری چقدر موفق بودیم؟

وقتی آقای روحانی رفتند سازمان ملل کسی بیرون نرفت آیا می خواهیم باز شاهد این باشیم رئیس جمهور به سازمان ملل برود همه سالن را ترک کنند. دولت اعتدال، اصلاحات و مهرورزی به راحتی انتخاب مشخص است مگر این که کسی نخواهد ببیند. اگر بخواهیم محاسبات سرانگشتی کنیم همانگونه که دکتر روحانی فرمودند در نیمه راه هستیم. اقتصاد ایران تحمل برگشت به سال ۹۲ را ندارد. برگشت به سال ۹۲ یعنی آسیب ها و عوارض اجتماعی و هزار

پدیده دیگر. افزایش انواع بزهکاری اجتماعی به خاطر بیکاری. قطعاً نرخ بیکاری ۱۲.۴ درصد مطلوب ایران نیست ولی در برنامه پنج ساله ششم که همین مجلس مصوب کرده و قرار است نرخ بیکاری از ۱۲ به ۸ درصد برسد نیاز به هشتصد هزار میلیارد تومان سرمایه گذاری دارد. با این نفت و مالیات آیا این پول قابل تامین است؟ در بودجه سال جاری ۳۳۰ هزار میلیارد بودجه عمومی کل کشور است. یک سوم نفت و یک سوم مالیات است. ما مجبوریم یعنی اقتصاد ایران به نقطه ای رسیده که مجبور است از منابع بخش خصوصی و خارجی استفاده کند و هیچ معایرتی با اقتصاد مقاومتی ندارد. اقتصاد مقاومتی زمانی آسیب دید که سال ۸۹، ۶۳ میلیارد دلار واردات کالا داشتیم. در سال ۹۰، ۶۰ میلیارد دلار واردات کالا داشتیم. امروزه واردات چقدر است؟ سال گذشته واردات ما به ۴۳ میلیارد دلار رسیده، آیا این دولت به اقتصاد

مقاومتی پایدار بوده که واردات را بیست میلیارد کم کرده است. قاچاق را از ۲۵ میلیارد دلار به ۱۵ میلیارد دلار کم کرده است. آیا این دولت اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشیده یا دولتی که میلیاردها درآمد نفتی را تبدیل به کالای مصرفی کرده بود با آن وزیر بهداشت معروف که پول به واردات زین اسب دادند اما به خرید دارو ندادند. کدام دولت به اقتصاد مقاومتی وفادار بوده است؟

ما در سال ۹۲ در بنادر ایران شش میلیون تن گندم وارد می کردیم امروز آمادگی صادرات گندم را داریم و این بزرگترین دستاورد دولت بوده که میزان تولید گندم را به بیش از ۱۵ میلیون تن رسانده است. در بخش بهداشت کاری را که آقای هاشمی انجام دادند با هیچ مقطع تاریخی قابل مقایسه نیست. ما امبدوار به آینده هستیم و به خاطر آن که امید را بر رنگ ترک بکنیم نه برای خودمان بلکه برای نسل های بعدی. ما باید انتخابی بکنیم که فرزندانمان و نسل های بعدی به انتخاب های ما احسنست بگویند.



تومان اضافه شد و فرادایش ۸۰۰ تومن، امروزه در مورد نرخ ارز بحث نمی کنند. ماشین پراید ۴ میلیونی شد ۱۶ میلیون بحث نمی کنند. امروز وقتی نرخ تورم به یک رقمی رسیده است می پرسند که چرا ارزان تر نشده است. این سوال را نمی پرسند چرا گران تر نشده است چون میدانند ارزان تر شده است. در سال ۹۰ وقتی درآمد ارزی کشور به ۱۲۰ میلیارد دلار رسید و این را محاسبه کنید با چهار سال گذشته که به چهل میلیارد دلار بوده، سال پیشتر ۲۴ میلیارد دلار بوده و این درآمدها کاملاً واضح است. اصلی ترین مشکل امروز مردم ایران اشتغال است. نمی پرسند چرا از ۸۴ تا ۹۲ اشتغال خالص نزدیک صفر بوده است ولی نمی پرسند در این ۴ سال گذشته دو میلیون شغل ایجاد شده است.

دولت است. در تمام سالهای انقلاب بدون استثنا هیچگاه دو سال پیاپی رشد اقتصادی منفی نداشتیم. سال ۹۱ و ۹۲ اقتصاد ایران ۸ درصد کاهش یافت. در سال ۹۰ درآمد ارزی که اگر بخواهیم به قیمت ارزی سال ۹۴ حساب کنیم، درآمد ارزی که نصیب کشور شد معادل سه سال ۹۴ و ۹۵ بوده اما رشد اقتصادی کشور سه درصد بوده در حالیکه در این دولت رشد اقتصادی سه برابر سال ۹۰ بوده است.

آنچه که در مناظرات ۹۲ مطرح شد همه کاندیداها در آن وفا داشتند و آن نکته این بود که اقتصاد ایران در سال ۹۲ در لبه پرتگاه اقتصادی قرار دارد. امروز منتقدین یا کسانی کاندیدا هستند نمیگویند اقتصاد در لبه پرتگاه قرار دارد و این سوال را مطرح می کنند چرا وضعیت بهتر نشده است؟ این سوال را نمی پرسند چه کسانی در هشت سال گذشته اقتصاد را به لبه پرتگاه رساندند. یک شاخص در اقتصاد است که به نام شاخص فلاکت معروف است که یعنی مجموع نرخ بیکاری به اضافه نرخ تورم.

چه تغییری در دوران دولت روحانی داشته ایم؟ مجموع نرخ بیکاری و تورم در دولت دکتر روحانی در سال ۹۲ مستقر شد که مجموع این دو عدد بیش از پنجاه درصد بوده ولی امروزه این عدد کم تر از ۲۲ درصد شده است. شاخص فلاکت پنجاه درصد کم شده است. در سال ۹۱ و ۹۲ اقتصاد ایران از ریل خارج شده و امروزه به ریل بازگشته است. ۴ سال به تعبیر دکتر روحانی آوار برداری شده است. اگر بخواهیم به سال های دوره اصلاحات برگردیم به لحاظ اقتصادی که موفق ترین سالها بوده قطعاً نیاز به زمان، کار و منابع بیشتر دارد.

برای کسانی که مطرح می کنند چرا وضعیت مردم بهتر نشده و یا گرانی وجود دارد، انگار فراموش کرده اند در سال ۹۱ برای اولین بار در تاریخ انقلاب اسلامی یک روز نرخ ارز از ۱۰۰۰ به ۴۰۰۰ تومان رسید. در یک روز نرخ ارز ۶۰۰

انتخابات سال جاری از نظر دیپلماسی و شرایط منطقه و نیز مسایل اقتصادی اهمیت زیادی دارد. بسیاری از شهروندان می پرسند که این انتخابات از چه نظر حائز اهمیت است و چرا باید در این شرایط حساس دوباره به گفتن تدبیر و امید رای بدهیم. در این رابطه با دکتر «هادی حق شناس» نماینده اسبق انزلی در مجلس شورای اسلامی گفت و گو کردیم. ماحصل آن را در ادامه می خوانیم.

آقای دکتر، یکی از دلایلی که گفته می شود در این دوره باید یک انتخاب عقلانی داشته باشیم چیست و چرا اینقدر سرنوشت ساز است؟

انتخابات این دوره نه تنها برای ۴ سال آینده بلکه برای یک دهه آینده سرنوشت ساز باشد. زیرا باید نگاه داشته باشیم به انتخاب هایی که در دوره های گذشته داشتیم؛ غیر از انتخاباتی که در ۸ سال جنگ بوده، پس از جنگ سه چهار انتخاب واضح و روشن داشتیم که امروز از آن انتخاب ها فاصله گرفتیم و به راحتی میتوانیم قضاوت کنیم آیا انتخاب درستی کرده ایم یا خیر؟ اولین انتخاب ما دوره سازندگی بود.

عصر سازندگی یکی از مقاطع درخشان ایران اسلامی بوده است. به عبارتی دیگر اگر آیت الله هاشمی را در آن مقطع انتخاب نمی کردیم شاید آن ویرانی های جنگ در آن ۸ سال به اتمام نمی رسید.

مقطع بعدی که با شعار توصیف سیاسی بود و آقای خاتمی انتخاب شد و وقتی امروز بر میگردیم به انتخاب خودمان نه تنها پشیمان نیستیم بلکه افتخار می کنیم در دوره اصلاحات آقای خاتمی انتخاب شدند و توسعه سیاسی بخش زیادی از آن مقطع به جلو رفت. روابط سیاسی ما با دنیا به حالت عادی برگشت. گفت و گوی تمدن ها در سازمان ملل مصوب شد و به لحاظ اقتصادی برنامه پنج ساله سوم بهترین برنامه در بین ده برنامه پنج ساله بود. یعنی برنامه پنج ساله ای که قبل انقلاب داشتیم و برنامه پنج ساله ای که پس از انقلاب داشتیم. افتخار می کنیم در عصر اصلاحات آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شدند. این احساس افتخار در انتخاب رئیس دولت نهم و دهم هم بوده است؟

اگر به دوران به اصطلاح دولت مهرورزی برگردیم یا دولت اصولگرا طبیعی است در این جمعی که حداقل اینجا نشسته اند آن انتخاب را نداشتند و اگر آن جمعی انتخاب کردند الان به آن افتخار نمی کنند. وقتی مقایسه می کنیم انتخاب ها را خیلی موضوع پیچیده ای نیست که چرا ما در آن مقطع در همین ستاد به آقای رئیس جمهور دولت مهرورزی یا همان اصولگرایی را انتخاب نکردیم، بخاطر این که مقطعی بر ما گذشت که هیچ ایرانی امروز به آن مقطع افتخار نمی کند. درآمدهای ارزی سرشار و در کنار آن انواع و اقسام اختلاس هایی که صورت گرفت و در کنار آن بیکاری که امروزه این دولت میراث آن